



کدام معلم کار آمد است؟

سید حمید آتش پور
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد
با همکاری شیوا جوهر
دانشجوی رشته علوم تربیتی

پرورش داده، رشد او را تسهیل سازند و به خوبی از عهده اداره کلاس برآیند. به منظور بررسی ویژگی‌های مورد نظر شاید صلاح باشد آنها را با تعمق بیشتری بنگریم. زیرا چنانچه فونتانا تصریح نموده علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده در خصوص ویژگی‌های معلمان کارآمد و موفق، هنوز یافته‌ها و اطلاعات اندکی موجود است. این مسئله البته تعجب‌آور نیست زیرا عوامل زیادی در بیرون از معلم وجود دارند که وضعیت را پیچیده می‌سازند، مانند: سن، توانایی و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، دانش آموزان، موضوع تدریس، محیط مدرسه و... به عقیده فونتانا آنچه برای یک معلم به صورت مجموعه‌ای از شرایط عمل می‌کند، می‌تواند برای معلم دیگر یا همان معلم در شرایط دیگر، کارایی نداشته باشد. با این حال خصوصیات و کیفیات مهم و مشخصی وجود دارد که می‌توانیم در مورد آنها بحث نموده و به تعمیم‌هایی دست بزنیم. این کیفیات عبارتند از:

۱- توانایی جذب دانش آموزان و دانشجویان: به عقیده دکتر سیف، یکی از ویژگی‌های معلمان کارآمد جذب شاگردان به جلسات درس و ادامه شرکت آنان در فعالیت‌های یادگیری می‌باشد. به عقیده برونینگ و گلاور، معلمان کارآمد قادرند آنچه را دانش آموزان ایشان باید فراگیرند به آنها منتقل سازند. آنها سازمان یافته‌تر عمل کرده و شاگردان خود را خیلی روشن توجیه نموده، به نحوی که شاگردان آنها

با توان عملی و کاربردی او در کلاس درس از اهمیت کمتری برخوردار است. به عقیده برونینگ و گلاور (۱۳۷۵)، این تحقیقات، بسیاری از مهارت‌هایی را که موجب تفاوت کیفی تدریس می‌شود، مشخص ساخته‌اند.

به عقیده مک دانلد معلمان خوب قادرند یادگیری دانش آموزان را افزایش داده و از طریق پاداش دادن به دانش آموزان و دادن امکانات بیشتر برای آموختن، سطح انگیزه آنها را بالا ببرند. به عقیده برونینگ و گلاور، در کنار نقش‌های مورد نظر، معلمان خوب که از آنها به نام معلمان کارآمد نام می‌بریم، قادرند قدرت تفکر دانش آموزان را

معلمی شغل مهمی است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نمی‌باشد. این ضرورت از نظر مؤلفین، عمدتاً شکل دهی تجربیاتی است که منجر به تغییرات مطلوب رفتاری در دانش‌آموختگان می‌شود. به خاطر همین ضرورت آشکار است که نقش معلم جنبه نهادی پیدا کرده و بسیاری از گروه‌های اجتماعی و افراد و دانشجویان و دانش‌آموختگان مختلف، انتظارات کلی مشخصی از آنچه که یک معلم هست و باید باشد دارند. اما به نظر می‌رسد انتظارات کلی مورد نظر در عمل دچار مشکل می‌گردند. زیرا همه ما در طول حیات تحصیلی یا حرفه‌ای خود با معلمان واساتیدی مواجه شده‌ایم که از آنها با کلمات خوب یا بد یاد کرده‌ایم!

بنابراین یک سوال اساسی پیش می‌آید که آیا این دو معلم با یکدیگر اصولاً یکسان هستند یا اینکه تفاوتی بین آنها وجود دارد؟

آیا همه معلمان باهوش و کارآمد هستند؟ آیا می‌توان ملاک‌هایی برای شایستگی یک معلم تصور کرد یا اینکه معلمان همگی یکسانند و ملاک مشخصی برای شایستگی یکی بر دیگری وجود ندارد؟ آیا ذاتاً برخی از افراد معلم به دنیا می‌آیند یا معلمی حرفه‌ای است که بعضی‌ها آنرا بهتر یاد می‌گیرند؟ این سؤالات، مطالب مهم و حیاتی می‌باشند که می‌بایست به آنها پاسخ‌های دقیق داد. به طور کلی تحقیقات اخیر نشان داده که هوش و شخصیت معلم در مقایسه

به عقیده مک دانلد معلمان
خوب قادرند یادگیری
دانش آموزان را افزایش
داده و از طریق پاداش
دادن به دانش آموزان و
دادن امکانات بیشتر برای
آموختن، سطح انگیزه آنها
را بالا ببرند

اتفاق می افتد بسیار حساس هستند و قادرند مشکلات را رفع کنند. این معلمان اغلب توجه کافی به شاگردان داشته و حساس اند که به همه افراد، فرصت ها و کمک مساوی داده شود. از این نظر معلمان خوب، راحت و قابل اعتماد و اطمینان جلوه می کنند. اینان معلمانی صبور و بردبارند و الگویی عالی از اجرای نقش خود هستند. آنها به موقعیت دانش آموزان توجه کرده و به عقیده گینات نسبت به دانش آموزان توجه و مراقبت نشان داده و به شاگردان کمک می کنند تا فراگیرند که چگونه می توان با دیگران همکاری جمعی داشت و در عین حال خوشحال و مفید بود. آنها محیطی ایجاد می کنند لذت بخش، شادی آفرین که در آن شوخی و تفریح مشترک، مرزهای میان معلم و کلاس را تقلیل داده و به شرطی که در آن زیاده روی نشود به کلاس کمک می کند که معلم را بیشتر به صورت یک دوست و همراه تصور کنند. به همین نحو، آمادگی همکاری با دوستان در کلاس افزایش یافته و بدین ترتیب تعداد حوادثی که به مشکلات موجود در کنترل کلاس می انجامد، تقلیل می یابد.

۶- آخرین ویژگی معلمان کارآمد که در اینجا مورد بحث قرار می گیرد رفتارهای کلاسی معلمان است. به عقیده بسیاری از پژوهشگران آموزشی، همبستگی معناداری بین بعضی از رفتارهای معلمان و پیشرفت تحصیلی شاگردان آنها وجود دارد. دکتر سیف به نقل از رونساین و فرست (Renshine & Furst)، هشت متغیر آموزشی یا رفتار کلاسی معلمان را که با یادگیری شاگردان رابطه و همبستگی معنی دار نشان داده اند معرفی کرده اند. این متغیرها عبارتند از:

- الف- روشنی توضیحات معلم در کلاس؛
- ب- انعطاف پذیری در روش آموزش؛
- ج- اشتیاق در کار، شامل تحرک در کلاس، حرکات سرو دست و نوسان صدا؛
- د- احساس مسئولیت در عمل، شامل تاکید بر یادگیری و فعالیت شاگردان؛
- ه- فرصت یادگیری دادن به شاگردان برای یادگیری مطالب تا سرحد تسلط

و- استفاده از عقاید شاگردان، شامل تشویق شاگردان به اظهار نظر و تایید نظریات آنها.

ز- استفاده از مطالب سازمان دهنده شامل مرور کردن مطالب و ایجاد ارتباط مطالب درسی با یکدیگر.

ح- طرح سؤال های دارای سطوح مختلف، از جمله سؤال هایی که با چه، کجا، چرا و چگونه شروع می شود.

مطابق تحقیقات به عمل آمده، به نظر می رسد که مهمترین متغیر آموزشی معلم که بیشترین همبستگی را با یادگیری شاگردان دارد، روشنی توضیحات و مطالبی است که معلم در آموزش خود در اختیار شاگردان قرار می دهد.



ارزیابی بطور عمده عبارتند از امتحانات کلاسی، تکلیف درسی، پروژه های تحقیقاتی و آزمون های استاندارد شده. اطلاعات بدست آمده از ابزار ها و وسایل بالا معلمان خوب را کمک می کند تا روش تدریس خود را تنظیم کنند. یادگیری دانش آموزان با دریافت پسخوراند (فیدبک) ناشی از ارزیابی دقیق، تسهیل می گردد.

۴- یادگیری مداوم: به نظر می رسد می توان بهترین معلمان را کسانی دانست که اوقات خود را صرف یادگیری می کنند. متأسفانه برخی از معلمان با شروع تدریس، یادگیری را متوقف می سازند و به جزوه هایی که روزگاری تهیه کرده اند بسنده می کنند. به همین دلیل جهان در حال تغییر از کنار آنها می گذرد و به سرعت ایشان را در وضعیتی قرار می دهد که دیگر آمادگی تدریس کارآمد را ندارند. یک معلم کارآمد معمولاً تحولات مربوط به رشته خود را تعقیب می کند و دائماً مهارت های خویش را بهبود می بخشد. آنها همواره در حال آموختن هستند. به عبارتی، دیگر آنها دائماً در حال شاگردی کردن هستند.

۵- اداره کلاس: معلمان کارآمد معمولاً دارای کلاسی مطلوب، منسجم و پربار هستند. معلمان کارآمد نسبت به آنچه در کلاس ایشان

می دانند چه کاری را باید انجام دهند. توانایی انتقال اهداف درس به دانش آموزان، تاثیرات عمیقی بر آمادگی دانش آموزان برای شرکت در کلاس، بر کار ایشان در کلاس و نیز مطالعاتی که باید انجام دهند دارد. معلمان با کفایت می دانند که برای هر دانش آموزی درس را باید از کجا شروع کرد و هر جا که لازم آید به آموزش انفرادی روی می آورند و سرعت تدریس را متناسب با پیشرفت دانش آموزان تنظیم می کنند، به همین دلیل همه دانش آموزان، چون مطالب با مهارت های متفاوت ایشان تناسب دارد، به فعالیت برانگیخته می شوند.

۲- پرورش مهارت های فکری: به عقیده برونینگ و گلاور، شاید بتوان هدف تعلیم و تربیت را پرورش قوه تفکر دانش آموزان دانست و چون یادگیری معنا دار، به ویژه برای رشد قوای فکری دانش آموزان با اهمیت می باشد، معلمان موفق می توانند فعالیت های آموزشی را معنا دار سازند. بدین منظور یک معلم کارآمد، یادگیری جدید دانش آموزان را طوری هدایت می کند که با دانش قبلی آنها همسانی داشته باشد تا دانش آموزان بتوانند دانش جدید را به نحوی منطقی در حافظه خود سازمان دهند. زیرا یادگیری مداوم محتاج سازماندهی منطقی مطلب با یکدیگر است.

۳- یادگیری و ارزیابی آن: یکی دیگر از خصوصیات یک معلم کارآمد توجه به پیشرفت تحصیلی شاگردان و ارزیابی یادگیری آنها می باشد. مطابق با آنچه گفته شد تدریس خوب، با دقت و وسواسی در خور توجه ارزیابی می شود، به شکلی که دائماً می توان تغییرات لازم را در آن صورت داد. در این وضعیت دانش آموزان در مورد یادگیری خود فیدبک سریع و مطلوبی دریافت می کنند. به عقیده برونینگ و گلاور، معلمان کارآمد از مهارت های لازم برای ارزیابی دانش آموزان برخوردار بوده و قادرند میزان یادگیری ایشان را تعیین کنند. وسایل اندازه گیری و

یک معلم کارآمد معمولاً تحولات مربوط به رشته خود را تعقیب می کند و دائماً مهارت های خویش را بهبود می بخشد